

برجستگی منابع قدرت نرم ایران مطالعه موردی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

سید محمد جواد قربی *

دکتر علی اکبر جعفری **

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۵/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۱۳

چکیده

این مقاله سعی دارد به بررسی عوامل و منابع قدرت نرم ایران در این سند حقوقی بپردازد. پس با بهره گیری از مطالعات اسنادی و روش تحلیل محتوای کمی به این سؤال پاسخ داده می شود که بیشترین برجستگی های منابع قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کدام است و شامل چه عواملی می شود؟ یافته های مقاله نشان می دهد که در این سند حقوقی منابع متعدد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و علمی مرتبط با قدرت نرم وجود دارد و در میان این عوامل، منابع فرهنگی از بیشترین فراوانی و برجستگی برخوردار است. در میان این منابع، ارزشهای معنوی، پاسداشت از حقوق انسانی- سیاسی، تأمین نیازهای اساسی مردم و آموزش صحیح و کاربردی از بیشتریت فراوانی و برجستگی برخوردار است که می تواند قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را ارتقا بخشد. علاوه بر این عوامل، منابع دیگری نظیر هویت اسلامی- ایرانی، استقلال فرهنگی و سیاسی، اعتقادات مذهبی، وفاق اجتماعی، سیاست خارجی، خودکفایی، محرومیت زدایی، تولید ملی و بهره گیری از علوم و فنون در قانون اساسی نیز امکان تولید قدرت نرم را فراهم می آورد.

کلیدواژه ها: قدرت نرم و قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران و فرهنگ، ارزشهای سیاسی و

اقتصاد و دانش در ج.ا.ا.

* - نویسنده مسئول: دانش آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی

ghorbi68@yahoo.com

** - استادیار علوم سیاسی دانشگاه مازندران

۱. مقدمه

اعمال قدرت از طریق جذب و همزمان پرهیز از هرگونه اجبار و تطمیع، گستره‌ای بسیار گوناگون و جذاب و در عین حال حساس و ظریف را در برابر دولتمردان هر کشور قرار می‌دهد (گلشن پژوه، ۱۳۹۱: ۱۴۱). در همین راستا، تنظیم و تحکیم تصویری از هر کشور در ذهن افکار عمومی جهانیان، چنان مهارتی می‌طلبد که بسیاری از بازیگران بین‌المللی به همان ابزارهای سخت قدرت متوسل می‌شوند و تلاش می‌کنند دیدگاه و نظر خود را به ضرب کمیت و کیفیت ادوات نظامی و کارآمدی ظاهری تحریمهای اقتصادی به طرف مقابل بقبولانند غافل از اینکه تفاوت تأثیر وجه نرم و سخت قدرت با یکدیگر، زیاد است و توان مقایسه را هم نخواهند داشت. در طول تاریخ، کشورهایی که به شکلی ماهرانه از ابزارهای فرهنگ، تمدن، تاریخ و جغرافیای خویش برای تحت تأثیر قرار دادن دیگران استفاده کرده‌اند در صحنه سیاست جهانی اقتداری بمراتب ماندگارتر و مؤثرتر یافته‌اند و آنانی که تنها به نیروی نظامی خویش متکی بوده‌اند، بارها مجبور شده‌اند برای رسیدن به اهداف، بیش از پیش به جنگ روی آورند و وجهه خود و ملت خویش را به آرامی به اضمحلال برسانند. به هر حال، موضوع قدرت نرم و ابزارها و عوامل آن از جمله موضوعاتی است که با وجود داشتن سابقه‌ای کوتاه در متون مکتوب سیاسی و بین‌المللی، مورد امعان نظر بسیاری از سیاستمداران و سیاست‌سازان جهانی قرار گرفته است. در حال حاضر متخصصان بسیاری تلاش دارند با شناخت ظرفیتها و توانمندیهای کشور متبوع خویش، عوامل و ابزارهای بالقوه این نوع قدرت را در کشور خود شناسایی کنند و با ارائه جذاب آن به افکار عمومی جهانیان، سطح کلی اقتدار کشور خویش را در فضای شدت رقابتی کنونی ارتقا دهند.

کشور ایران، چه به عنوان کشور و تمدنی بزرگ و در زمره نخستین سرزمینهای سکونت جمعی بشر در چهار راه تمدنهای بزرگ بشری، و چه به عنوان بزرگترین کشور شیعه و وارث نخستین انقلاب دینی در دنیای جدید، همواره در کانون توجهات دولتهای بزرگ جهان قرار داشته است. این امر، که ایران به لحاظ موقعیت ژئواستراتژیک و برخورداری از منابع عظیم طبیعی در جایگاه خاصی قرار دارد بر همگان آشکار است؛ اما نکته قابل توجه این است که ایران منبع عظیم و دست ناخورده‌ای از اقتدار نرم را همواره دارا بوده است که استفاده از آن در وضعیت و موقعیت کنونی، اهمیتی انکارناپذیر دارد. فرهنگ غنی، تمدن چند هزار ساله، جاذبه‌های تاریخی و

گردشگری، اقتدار عظیم ناشی از نیروی انسانی کارآمد و جوان، ادبیات لبریز از شاهکارهای جهانی، سهم دست نیافتنی در توسعه علم بشری، جذابیت‌های پایان ناپذیر ناشی از فولکلور و اصالت‌های قومی، هنرمندی بی‌پایان در بسیاری از عرصه‌های هنری، عمق عمیق باورها و دلبستگی‌های مذهبی و صدها مثال دیگر، کرانه‌ای بی‌پایان از منابع اقتدار نرم را در مقابل چشمان ما قرار می‌دهد که از طریق سیاستگذاری و مدیریت هوشمندانه آنها می‌توان در کنار تحکیم اقتدار و امنیت در داخل کشور، منبعی پایان ناپذیر نیز در پهنه سیاستها و تعاملات خارجی جمهوری اسلامی ایران اضافه کرد تا از طریق آن، اهداف مقدس نظام اسلامی ایران کاربرد و امکان تحقق بیشتری پیدا کرد (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۱۲-۲). با وجود این، شناسایی منابع و عوامل بومی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به گسترش اقتدار نرم و ارتقا جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران بیفزاید. یکی از منابع شناسایی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، اسناد فرادستی و حقوقی است که با مذاقه در آنها می‌توان به توان و ظرفیت‌های حقیقی قدرت نرم ایران پی برد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از این اسناد فرادستی است که بسترها، مختصات، منابع، ابزارها و حتی ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران را مشخص می‌کند.

۲. بیان مسئله

در برهه‌ای که اجماع علمی متفکران اجتماعی، آغاز دوره گذار از موج دوم تمدنی به «عصر اطلاعات» را در جهان توسعه یافته و گسترش مناسبات عقلانی را در جهان در حال توسعه نوید می‌داد و پایان عصر ایدئولوژی در «دهکده جهانی» به عنوان رویکرد جدید جهانی اعلام می‌شد به ناگاه به دنبال برخی تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، انقلابی شکوهمند در ایران به وقوع پیوست که جهانیان را به دلیل اتکاء به قدرت نرم افزاری به شگفتی واداشت؛ چرا که با پیروزی این حرکت عظیم انقلابی، قدرت دینی و معنوی در معادلات سیاسی و تصمیم‌گیریهای جهانی نقشی تعیین‌کننده یافت و ارزشهای دینی و معنوی و فرهنگی از تأثیرگذاری عمده‌ای در مناسبات و روابط بین‌الملل و نیز تصمیمات جهانی و منطقه‌ای برخوردار شد. انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلابی برای خدا و معنویت و ارزشها نه تنها در اعتقادات اسلامی ریشه داشت بلکه محرک و هدف خود را در دین جستجو می‌کرد. اندیشه انقلاب اسلامی به عنوان نمونه‌ای تازه از نظام

حکومتی در چشم انداز جهانی، که از اسلام ناب نشأت گرفته بود، توانست در زمانی کوتاه مرزهای محدود جغرافیایی را درنوردد و پیام اصلی خود را، که همانا مبارزه با ظلم و ستم و برپایی حکومتی عادلانه بود به دورترین نقاط جهان برساند. از دیگر سو، انقلاب اسلامی با شکستن انحصارگرایی در عرصه روابط بین الملل و برهم زدن معادلات جهانی و منطقه‌ای توانست اعتماد به نفس را در مسلمانان تقویت کند و با شالوده ریزی نظم بین الملل فارغ از سلطه قدرتهای استکباری بر اساس سیاست «نه شرقی نه غربی» بارقه امید را در دل میلیونها مسلمان و مستضعف جهان بیدار نگه دارد (دهشیری، ۱۳۸۵: ۶۷-۶۵). از این رو، انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس به شمار آورد. تأیید ارزشهای انقلاب توسط جنبش‌های آزادیبخش، گسترش الگوی مردم سالاری دینی، استقبال ملت‌های مستضعف و افزایش اشتیاق آنان به نقش آفرینی جمهوری اسلامی در صحنه بین الملل، توان متقاعدسازی دیگر ملت‌ها از زاویه توانایی شکل دادن به ترجیحات و اولویتهای آنان، جلب و جذب جهان اسلام به شخصیت رهبری، فرهنگ، ارزشها، ساختار سیاسی و اعتبار اخلاقی جمهوری اسلامی ایران و نیز بهره‌گیری از توان اطلاعاتی و ارتباطاتی رسانه‌های سنتی برای انتقال پیام انقلاب به مخاطبان مسلمان و مستضعف را می‌توان در زمره مواردی دانست که جایگاه قدرت نرم را در فرایند استقرار بنیانهای انقلاب اسلامی ایران آشکار می‌سازد.

استفاده از قدرت نرم به منظور نشان دادن مشروعیت سیاست‌های انقلاب اسلامی را می‌توان چهره‌ای جدید از قدرت قلمداد کرد که دربرگیرنده عوامل فرهنگی، ایدئولوژیک، سیاسی و فکری بوده است. ارزشهایی نظیر مردم سالاری دینی و کمک‌های بشردوستانه به نهضت‌های رهایی بخش و ارتقای توانمندی‌های علمی و فرهنگی کشور را می‌توان در زمره موارد اهتمام به قدرت نرم برشمرد (سبحانی فر و عبداللهیان، ۱۳۹۳: ۵۹ و ۶۰). باید اذعان کرد که جمهوری اسلامی ایران طی دهه‌های گذشته به این موضوع توجه داشت و با بهره‌گیری از ظرفیتهای و توان خود، سعی کرده است بر توانمندی قدرت نرم خویش بیفزاید.

یکی از مسائلی که در این عرصه حائز اهمیت است، شناسایی منابع قدرت نرم است که می‌تواند به سیاست‌گذاریها و گزینش راهبردهای اجرایی در زمینه کاربست قدرت کمک شایانی کند. یکی از مراجع مهم شناسایی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی است در

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به مجموعه‌ای از منابع قدرت دست یافت که با توجه به ماهیت دینی و ارزشی انقلاب اسلامی و ظرفیتهای ملی در متن این سند حقوقی قرار گرفته است و توجه به آنها می‌تواند بر توانمندی، اقتدار و کاهش فرسایش قدرت جمهوری اسلامی ایران تأثیر مثبتی بگذارد. به همین دلیل این مقاله سعی دارد به این سؤال پاسخ دهد که بیشترین برجستگی‌های منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی کدام است و شامل چه عواملی می‌شود؟ جامعه آماری این پژوهش، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و روش گردآوری مستندات، کتابخانه‌ای و اسنادی است که برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کمی استفاده می‌گردد. با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای در بخش اول به تبیین چارچوب مفهومی و نظری پرداخته، و برای بررسی برجستگی‌های قدرت نرم در متن و اصول قانون اساسی از روش تحلیل محتوا با رویکرد کمی استفاده، و سعی شد با بسامد شماری واژگان و منابع مرتبط با قدرت نرم، برجستگی‌های منابع قدرت نرم در قانون اساسی استخراج شود. فرضیه اصلی مقاله به این قرار است که در میان اصول قانون اساسی، منابع چندگانه قدرت نرم قابل مشاهده است و منابع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی قدرت نرم برای ارتقای توانمندی جمهوری اسلامی ایران در سطح ملی و بین‌المللی در قانون اساسی تصریح شده و در میان منابع قدرت نرم در قانون اساسی، منابع فرهنگی از برجستگی و فراوانی بیشتری برخوردار است.

۳. هدف پژوهش

شناسایی منابع و عوامل قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۴. سؤالات پژوهش

سؤال اصلی

بیشترین برجستگی‌های منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی کدام است و شامل چه عواملی می‌شود؟

سؤالات فرعی

قدرت نرم چیست و چه منابعی دارد؟

منابع سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی کدام است؟
منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی کدام است؟
منابع اقتصادی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی کدام است؟
بیشترین برجستگی منابع قدرت نرم در قانون اساسی مربوط به کدام عوامل و منابع است؟

۵. بُنمایه مفهومی و نظری قدرت نرم

این واقعیت، که حکومتها بدون تولید و بهره مندی از منابع قدرت نرم، نمی‌توانند در اداره امور داخلی و رویارویی با بحرانهای خارجی، توفیق لازم را داشته باشند، عمده تحلیلگران را به آنجا رهنمون می‌سازد تا نسبت به پرسش از چیستی قدرت نرم و منابع تولید کننده آن حساس باشند و از منظرهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بدان توجه کنند (افتخاری، ۱۳۸۸: ۳۸). و با توجه به این اهمیت در ادامه به بررسی مفهومی قدرت نرم و منابع آن پرداخته می‌شود.

۵-۱. معنا و مفهوم

قدرت نرم برای بار نخست توسط جوزف نای به کاربرده شد (نای، ۱۳۸۹: ۲۷) و خیلی سریع در محیط‌های علمی و دانشگاهی با محبوبیت زیادی روبه‌رو شد. هر چند این مفهوم از لحاظ نظری و در دهه اخیر وارد ادبیات استراتژیک و سیاسی شده از لحاظ عملی پیشینه زیادی دارد. جامعه و قدرت در کنار یکدیگر و با هم معنا می‌یابد. انسانها در طول حیات خویش با قدرت، ظرفیتها و محدودیتهای آن روبه‌رو هستند (سیدباقری، ۱۳۹۰: ۶۸)؛ این رویارویی همواره به یک شکل و سیاق نبوده، بلکه به تعبیر جوزف نای، ماهیت قدرت نیز متغیر بوده است (نای، ۱۳۸۹: ۳۷-۳۹). این ماهیت متغیر را می‌توان در تحول گفتمانی از سخت افزاری به گفتمان نرم افزاری قدرت مشاهده کرد. گفتمان نرم قدرت و به تعبیری دیگر، قدرت نرم دربرگیرنده رابطه میان عوامل تأثیرگذار در امور جهانی است که با فرهنگ، علم، فناوری و دیگر نیروهای نافذ مرتبط است و در تعامل با قدرت سخت در معاهدات تجاری، پیمانهای نظامی و مباشرت مستقیم یک کشور در امور دیگر کشورهاست (یاسوشی و کانل، ۱۳۸۹: ۷۳). در عین حال، زمانی که سیاستها در چشم دیگران مشروعیت دارد، قدرت نرم تقویت می‌شود؛ در واقع زمانی که دیگران

و ادار می‌شوند که افکار و خواسته‌هایی بجز خواسته‌های خود را بپذیرند، بدون اینکه هزینه زیادی (امتیاز و اجبار) برای این وادارسازی از سوی دیگران هدف شده باشد در این صورت از قدرت نرم بدرستی استفاده شده است (صبوری، ۱۳۹۰: ۳۷ و گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۲۱ و ۲۲). با توجه به این عامل، قدرت نرم از حیث سوق دادن بازیگر مقابل به رفتار تأمین‌کننده منافع طرف اعمال‌کننده قدرت قابل شناسایی است (جگنی‌زاده و سیفی، ۱۳۹۱: ۳۲۷)؛ از این رو، قدرت نرم را می‌توان «توان شکل دادن به علائق دیگران» توصیف کرد که از توان هدایت کردن دیگران از طریق جذابیت و الگو بودن برخوردار است (نای، ۱۳۸۹: ۴۳). در حالی که نظریه‌های متعارف قدرت نیز متوجه امنیت هستند، گفتمان اسلامی بر عامل آرامش به عنوان گونه‌غایی از امنیت و قدرت نظر دارد که در آن افزون بر وجود احساس ایمنی از ناحیه قدرت، نوعی اطمینان و اعتماد به قدرت نیز وجود دارد (افتخاری، ۱۳۸۷: ۱۴). در این گفتمان، مقوله اعتماد به عنوان یکی از ارکان سرمایه اجتماعی در بازتولید قدرت نرم از طریق امنیت‌سازی، ارتقای توان ملی، بهره‌وری، کارآمدی و نفوذ نقش مهمی را ایفا می‌کند (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۱-۳۷).

۲-۵. قدرت نرم و منابع کاربردی

فعال‌سازی منابع قدرت نرم برای تأمین منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی، مسئله‌ای ضروری به شمار می‌آید که تمامی بازیگران به نوعی نسبت به آن حساس هستند (افتخاری و جانی‌پور، ۱۳۹۲: ۲۵). بر این اساس، می‌توان مدعی شد که اهمیت توانمندی قدرت نرم، بیشتر به منابع آن بستگی دارد؛ اما برخلاف نظریه جوزف نای، این منابع در دنیای مادی گرای غرب، بسیار اندک و روبنایی است ولی در عصر جهانی شدن که منشأ قدرت نیز عوامل غیرمادی و به‌طور عمده، در اعتقادات و باورها ریشه دارد، می‌تواند قدرتهای سخت‌افزاری را تحت الشعاع قرار دهد و بر آنها چیره شود (افتخاری و بیکی، ۱۳۸۹: ۱۵۳). به همین دلیل، منابع سخت و نرم قدرت از یکدیگر قابل تفکیک است. وصف بارز منابع سخت، «عینیت» آنها است که مواردی نظیر تسلیحات، پول، تعداد و... را شامل می‌شود حال اینکه مواردی از قبیل دیپلماسی فرهنگی و عمومی، هنجارهای اجتماعی، دین و... از منابعی نرم به‌شمار می‌رود که به‌رغم عینی نبودن، می‌تواند قدرت تولید کند (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۰). از آنجا که این منابع بیشتر ذهنی است، از کنترل دولتها خارج و تأثیر آنها

شدیداً وابسته به پذیرش از سوی مخاطبان دریافت کننده است (Nye، ۲۰۰۴: ۱۰۶). به هر روی، این منابع نرم قدرت در چهار بخش فرهنگ، دانش، سیاست و ارزشهای مطلوب سیاسی، و اقتصاد قابل مشاهده است.

۵-۲-۱. فرهنگ و نظام ارزشها

فرهنگ نظام واره‌ای است از عقاید و باورهای اساسی، ارزشها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد (شعبانی سارویی، ۱۳۹۲: ۸۲). در این میان، ارزشها از مهمترین اجزای هر فرهنگ به شمار می‌آید؛ چراکه از باورهای ملت سرچشمه می‌گیرد و در عرصه گوناگون فعالیت آن تأثیر، و به لحاظ تأثیر ژرفی که بر روح و روان آدمی می‌گذارد، از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است (ایبیا و خانی، ۱۳۹۱: ۱۴). آیت الله خامنه‌ای در باب فرهنگ چنین می‌فرماید: «فرهنگ به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید. اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است؛ اگر درست باشد، آثاری دارد. فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آنها است؛ پس خیلی اهمیت دارد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱/۱). البته باید توجه کرد که هرچقدر فرهنگ از قدرت گسترش فزون‌تری برخوردار باشد، قدرتمندتر تلقی می‌شود و توانایی الهام‌بخشی بیشتری خواهد داشت (موسوی و قربی، ۱۳۹۲: ۱۱۸). در حال حاضر، برجسته‌ترین مظهر و نمود قدرت ملی، قدرت فرهنگی به معنای عام است که بازیگران در صحنه روابط بین‌الملل تلاش می‌کنند این بعد قدرت را افزایش و گسترش دهند (عیوضی و پارسا، ۱۳۹۲: ۱۰۰). به همین دلیل از فرهنگ در قاموس و عرف سیاست بین‌الملل به عنوان قدرت نرم یاد می‌شود؛ چرا که قدرت نرم، توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران، و جنس آن از نوع اقناع است (خراسانی، ۱۳۸۷ و پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۲۹۶). اهمیت فرهنگ در جامعه اسلامی به حدی است که منشأ تمامی خیرات و شقاوتهاست و به تعبیر امام خمینی (ره)؛ «فرهنگ مبدأ همه خوشبختیها و بدبختیهای ملت است» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۳۰۶).

بناچار، منابع فرهنگی در جامعه اسلامی به دلیل ارتباط با ارزشهای بنیادی (همانند خدامحوری، ایثار، دشمن ستیزی، عدالتخواهی، ستم گریزی، آزادگی، علم گرایی، پرهیزگاری، راستی و صداقت)، ترجیحات اساسی (همانند ترجیحات اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی)، آداب و رسوم، منش و رفتار اجتماعی و... با تولید قدرت نرم ارتباط مستقیمی دارد (رشاد، ۱۳۹۰: ۳۹).

۵-۲-۲. علم و دانش برتر

در نگرش غربی قدرت، دانشگاه‌ها و مجامع علمی از منابع پایدار قدرت نرم به شمار می‌آید. علم و دانش می‌تواند در تولید قدرت نرم برای موفقیت اهداف رسمی سیاست داخلی و بویژه سیاست خارجی مؤثر باشد (ماشیکو و میکی، ۱۳۸۹: ۱۵۲). به این ترتیب هر کشور می‌تواند با ایجاد و گسترش گفتمانی خاص از طریق کنترل بر عرصه اطلاعات و به کمک دانش به تولید و بازتولید قدرت نرم بپردازد. از این زاویه، قدرت نرم توان گفتمان‌سازی و گفتمان گستری است که به کمک ابزار دانش نوین به وجود آمده است. صاحبان این قدرت بر آن هستند تا از طریق به هم پیوند دادن ریزدreh‌های قدرت در بیرون از جوامع خود در چارچوب گفتمانی که تولیدکننده و عرضه کننده آن هستند، قدرت خود را اعمال کنند. با چنین نگاهی، قدرت نرم چون شبکه‌ای از تارهای معانی، تصاویر، نمادها و اسطوره‌هاست که افراد را به یکدیگر و به اعمال کننده قدرت متصل می‌سازد (سجادپور و زاده علی، ۱۳۹۱: ۸۴). به تعبیر میشل فوکو در کتاب "مراقبت و تنبیه"، قدرت و علم مستقیماً با یکدیگر رابطه دارد (از یکدیگر زاده می‌شود) و هیچ رابطه قدرت و سلطه‌ای بدون تاسیس و برپایی یک قلمرو همبسته از دانش وجود ندارد (Foucault، ۱۹۷۹: ۲۷). او مدعی می‌شود که دانش هم بدون فرض مناسبات قدرت و ایجاد آن وجود ندارد؛ پس مناسبات قدرت-دانش را نباید بر مبنای اینکه شناخت دارد و در رابطه با نظام قدرت نیز آزاد است یا نه، تحلیل کرد؛ بر عکس آن که شناخت دارد، موضوعاتی که باید شناخته شود و روشهای شناخت را باید نشأت گرفته از پیامدهای اساسی قدرت-دانش و تغییر و تبدیل تاریخی این پیامدها دانست (استیرن، ۱۳۸۱: ۹۶). از این رو، دانش و علوم انسانی به منبع قدرت غرب نسبت به سایر کشورها تبدیل گشت تا جایی که «پل باو» استدلال می‌کند، یک رشته دانشگاهی در غرب، پروژه‌ای انباشتی و جمعی برای تولید دانش و اعمال قدرت است (گاندی، ۱۳۸۸: ۷۲). تمدن اسلامی به

لحاظ نظری بر خلاف رویکرد غربی به دانش، بر دانش و بویژه دانش عملی مبتنی است. هنگامی که به سلسله مراتب ارزشها در جامعه اسلامی می‌نگریم، دانش بی‌هیچ رقیب و منازعی در مقام نخست نشسته است و از این حیث نه تنها نسبت به قدرت سیاسی، بی‌ارتباط و متخارج نیست، بلکه دانش مبنای قدرت و مشروعیت تلقی شده است و اصالت دارد. حکومت اسلامی در گستره نظر و اندیشه، حکومت دانش و دانشمندان به منظور استنباط و اجرای درست احکام دین در جامعه است (فیرحی، ۱۳۸۹: ۹۰). علم و دانش در گفتمان اسلامی از چنان اهمیتی برخوردار است که از آن به عنوان سلطان و اقتدار یاد می‌شود: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ: امام علی^(ع) فرمودند دانش، سلطنت و قدرت است؛ هر که آن را بیابد با آن یورش برد (چیره شود) و هر که آن را از دست بدهد بر او یورش برند» (ابی الحمید، بی تا، جلد ۲۰: ۳۱۹). مقام معظم رهبری در تبیین این حدیث و روشنگری بحث علم در اقتدار ملی چنین می‌فرمایند: «علم، پایه پیشرفت همه‌جانبه یک کشور است. العلم سلطان: علم، اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشته باشد، می‌تواند به همه مقاصد خود دست پیدا کند. این مستکبران جهانی به برکت علمی که به آن دست پیدا کردند، توانستند به همه دنیا زور بگویند. البته ما هرگز زور نخواهیم گفت؛ اما علم برای ما به عنوان یک پیشرفت حتماً لازم است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

۳-۲-۵. سیاست و ارزشهای مطلوب سیاسی

سیاست و قدرت در تعامل و ارتباط با یکدیگر است تا جایی که عده‌ای از پژوهشگران، سیاست را به مثابه قدرت می‌پندارند. هارولد لاسول در کتاب «سیاست، چه کسی، چه چیزی را، کی و چگونه به دست می‌آورد؟» این ارتباط را این گونه تشریح می‌کند: سیاست درباره تنوع و اختلاف است اما عنصر اصلی این اختلاف کمبود منابع است؛ یعنی نیازها و خواسته‌های انسان بیکران است ولی منابع برآوردن آنها همیشه محدود است؛ بنابراین، سیاست را می‌توان مبارزه برای دست یافتن به منابع کمیاب و قدرت را وسیله پیشبرد این مبارزه دانست (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۹). رویکردی که سبب تمایز گفتمان اسلامی و غربی در منبع سیاست به عنوان تولیدکننده قدرت نرم می‌شود، نوع نگاه به مقوله سیاست و چگونگی پیشبرد مبارزه برای کسب اهداف است. کشورها در گفتمان غربی، «مایلند با بهره‌گیری از جذابیت‌های سیاسی، ارزشهای غربی- امریکایی و

تعبیرهایی نظیر دموکراسی و حقوق بشر، انقلاب‌های رنگی و جنگ نرم به رهبری جهان پیردازند» (هدایتی، ۱۳۸۹: ۱۴۸) و در این مسیر از هر نوع سیاست و تزویری استفاده می‌کنند، زیرا معتقد هستند که با نفوذ دادن ارزشهای خود در جوامع دیگر، باعث جاذبه خود می‌شوند؛ البته در این مسیر سعی می‌کنند از سیاستهای غیرجذاب داخلی، سیاستهای متکبرانه و تنگ‌نظرانه در ظاهر خود داری کنند تا از این طریق میزان جاذبه خویش را ارتقا دهند و از صدمه وارد شدن به وجهه کشور خودی جلوگیری نمایند (عسگری، ۱۳۸۹: ۶۹)؛ این در حالی است که سیاست در گفتمان اسلامی با اخلاقیات و ارزشهای اسلامی (عطوفت، تألیف قلوب، دوستی، همراهی، صداقت، همیاری و...) همراه است و دستیابی به نتایج ترسیم شده با هر روش و ابزاری مذموم و ناپسند دانسته می‌شود.

سیاست اخلاقی و ارزشمدار در گفتمان اسلامی می‌تواند تولید کننده قدرت واقعی و نرم افزارانه باشد. معمار کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) سیاست را هدایت انسانها، حفظ مصالح و تأمین صلاح و سعادت حقیقی آدمیان می‌داند. بر این اساس، سیاست هم حق همگانی است و هم مسئولیت عمومی؛ بدین سان، مجریان سیاست در اصل، تمام افراد جامعه هستند که در این امر، یعنی تدبیر سرنوشت عمومی خویش، مشارکت دارند. هدف و مقصد سیاست نیز راه بردن افراد بر مبنای عدل و عقل در مسیر کمال انسانی برای رسیدن آنها به حقوق حقه خویش و خیر و سعادت راستین است. بر این اساس در نگاه امام (ره) اساس سیاسی بودن، یعنی قرار گرفتن در مسیر سعادت حقیقی و اصول بنیادین عقل و خرد، آزادی، هویت و استقلال، عدالت خواهی، معنویت، محبت و برادری و عام‌نگری تشکیل می‌دهد (جمشیدی، ۱۳۸۷: ۱۱). امام خمینی (ره) در خصوص سیاست در جامعه اسلامی چنین می‌فرماید: «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد؛ تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست؛ صلاح ملت هست؛ صلاح افراد هست.» (همان: ج ۱۳، ۴۳۲). کارویژه‌ها و مصداقهای سیاست در گفتمان اسلامی نشان می‌دهد که این عوامل چه نقش برجسته‌ای دارد؛ در تولید قدرت نرم به عنوان نمونه، تأکید بر ارزشهای سیاسی مثل خدامحوری، اخلاق محوری، اجرای عدالت و ولایت‌پذیری که در فطرت پاک آدمی ریشه دارد از عوامل اساسی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. نظام اسلامی ایران کوشیده است با به کارگیری و رعایت حداکثری ارزشهای سیاسی، جایگاه و اقتدار خود را در داخل و سطح

بین الملل ارتقا دهد (پوراحمدی و جعفری پناه، ۱۳۹۱: ۱۱۵). امام خمینی (ره) مصداقها و عوامل سیاست اسلامی را به گونه‌ای واضح تشریح کردند. رعایت این مصداقها می‌تواند قدرت نرم را برای جامعه اسلامی در سطوح ملی و بین‌المللی ارمغان آورد. «اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگری و حکومت جائزانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشا و انواع کج‌رویه‌ها، تأمین و حفظ آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استثمار و استثمار و حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی یک جامعه و سیاست و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۴۰۵).

۵-۲-۴. توانمندی اقتصادی

یکی از زمینه‌های اعمال قدرت نرم، اقتصاد است که به عنوان بخشی مهم از زندگی اجتماعی انسان دربرگیرنده روابط تولید، توزیع و مصرف است که در همه مکاتب از جمله اسلام اهمیت زیادی دارد. توانمندی اقتصادی در بستر بازتولید قدرت نرم به وضعیتی اشاره دارد که بازیگر سیاسی بتواند بر دیگران از طریق جاذبه اقتصادی با به کارگیری ابزارهای مختلف (اقتصادی، سیاسی و یا فرهنگی) و نیز ایجاد جاذبه‌های مختلف با به کارگیری ابزار اقتصادی تأثیر بگذارد (سیف، ۱۳۹۰: ۱۳). باید توجه کرد که اقتصاد در دو سطح ملی و بین‌المللی بر قدرت و توانایی ملی تأثیر می‌گذارد. داشتن وضع مساعد اقتصادی در سطح داخلی و ایجاد بسترهای زیست و معاش شرافتمندانه از طریق ایجاد حداقل رفاه، فقر زدایی، کارآفرینی و اشتغال زایی، رفع محرومیت‌های اقتصادی، افزایش سطح قدرت خرید مردم، مهار تورم و گرانیها، رعایت عدالت اقتصادی و اجتماعی و... می‌تواند محبوبیت و مقبولیت نظام سیاسی را افزایش دهد و با افزایش همبستگی و همدلی میان مردم و حکومت، اقتدار و قدرت نرم دولت را افزایش دهد. در نقطه مقابل، توانمندی اقتصادی در سطح بین‌المللی با ارائه الگوهای بدیل توسعه، کمک‌های بشر دوستانه، اتخاذ سیاستهای حمایتگری، گسترش روابط تجاری و ارتقای دولت به یکی از قطب‌های اقتصادی می‌تواند قدرت چانه زنی نظام سیاسی را بهبود بخشد. اشاره به این نکته لازم است که رویکرد غرب و امریکا به مقوله اقتصاد به عنوان یکی از منابع قدرت نرم با رویکرد اسلام متفاوت است. به این معنا که غرب

و بویژه ایالات متحده سعی دارند با کسب توانمندی در حوزه اقتصاد از کشورهای دیگر امتیاز بگیرند؛ مثلاً با تحریمهای اقتصادی چندجانبه و سنگین، مخالفان خود را تسلیم کنند و یا اینکه از حربه اقتصاد برای گرفتن امتیازات سیاسی استفاده نمایند؛ مثلاً صندوق بین‌المللی پول برای دادن وامهای اقتصادی به کشورهای کمتر پیشرفته، برای آنها شرطهای سیاسی می‌گذارد. این در حالی است که نظام اسلامی از اقتصاد برای توانمندی دولت در سطح ملی و بین‌المللی با رعایت شأن و کرامت انسانهای آزاده استفاده می‌کند؛ به عنوان مثال، انفاق و کمکهای بین‌المللی بشر دوستانه، ارائه الگوهای توسعه بومی برای کشورهای عقب مانده در راستای رهایی از سلطه اقتصادی غرب، همیاری با ملت‌های آزاده برای رفع محرومیت‌های اقتصادی، کمک به اقتصاد کشورهای اسلامی برای رسیدن به پویایی و بالندگی و... زمینه‌های قدرت نرم و محبوبیت نظام اسلامی را از طریق ابزارهای اقتصادی به همراه دارد.

۶. روش پژوهش

این پژوهش بر اساس اهداف ترسیم شده و نوع سؤالات از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌کند و برای تبیین متن مورد نظر تحقیق از تحلیل اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای بهره می‌گیرد.

۶-۱. جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق شامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مثابه یکی از اسناد مهم و فرادستی ایران است؛ در عین حال، باید توجه کرد که «هر نهاد، حزب، تشکل و هر دولت و حکومتی برای ابراز موجودیت خود و نیز بیان نظام و تشکیلات و روابط داخلی و خارجی خود، منشور و اساسنامه‌ای را تنظیم می‌کند و در آن با پیش‌بینی همه مسائلی که ممکن است آن نهاد در برداشته باشد، چارچوب مشخصی برای حرکت‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تعیین می‌کند. درباره دولتها و اعلام موجودیت آنها نیز این نکته صادق است. دولتها باید سندی را به عنوان اساسنامه خود تدوین کنند تا آن سند، محل رجوع و معیار و شاخص اقشار مختلف باشد. در یک جمله، هر دولت با تصویب قانون اساسی، هویت و موجودیت خود را اعلام، و نظام حقوقی و

سیاسی خود را تأسیس می‌کند» (اقتباسی معینی پور: زرنگ، ۱۳۸۶: ۶۸)؛ با این اوصاف، مذاقه در اصول قانون اساسی می‌تواند برای دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای و راه‌های دستیابی به توانمندی ملی و بین‌المللی حائز اهمیت باشد. در مقدمه این سند حقوقی - سیاسی آمده است که «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی ایران، که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را داخل و خارج کشور فراهم می‌کند» (قانون اساسی، ۱۳۸۷: ۱۸)؛ در عین حال در جواب به این سؤال که چرا قانون اساسی به عنوان مرجع شناسایی منابع قدرت نرم ایران انتخاب گردید باید اذعان کرد که قانون اساسی و اصول آن خواست قلبی ملت ایران بوده است. طبق متن این سند «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی است» (منصور، ۱۳۸۷: ۱۱). به تعبیر مقام معظم رهبری، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از اسناد فرادستی به‌شمار می‌رود که زمینه ساز پیشرفت و رفاه در جامعه است و می‌تواند ضامن حفظ نظام باشد. «قانون اساسی ما بسیار خوب و پیشرفته است. قانون اساسی از جمله همان چیزهایی است که دشمنان ما آن را آماج حملات خود قرار داده‌اند؛ چون این قانون اساسی می‌تواند کشور را به سامان برساند و جامعه را پیش ببرد. این قانون اساسی می‌تواند ضامن حفظ نظام اسلامی باشد؛ نظامی که پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسانهاست. این قانون اساسی می‌تواند ذهنها را اشباع و اقناع کند و جسمها را به رفاه مادی برساند؛ می‌تواند دنیا و آخرت مردم را آباد کند. بر اساس این قانون اساسی، امروز کشور در حال حرکت و پیشرفت است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۹۲). بر این اساس، قانون اساسی از توان و ظرفیتهای مناسبی برای تولید قدرت نرم، پخش و ارتقای آن در حوزه‌های راهبردی برخوردار است و از آنجا که خواست ملت ایران است، می‌تواند به بومی‌سازی عوامل و منابع قدرت نرم ایرانی کمک کند و این منابع مستخرج از قانون اساسی با مبانی هستی‌شناختی و انسانشناختی جامعه ایرانی همخوانی بیشتری نسبت به منابع غربی قدرت نرم دارد.

۶-۲. روش تحلیل

این پژوهش بنا به ماهیت و اهداف روش تحلیل محتوا با رویکرد کمی استفاده می‌کند. اگر

چه تحلیل محتوا در گامهای اولیه صرفاً به منظور توصیف پیامهای ارتباطی به کار می‌رفت در فرایند تکاملی خویش قدمهای بلندتری برداشت تا بدانجا که امروزه این روش از طریق اندازه‌گیری همبستگی متغیرهای مستتر در متن، توانایی کشف اوضاع اجتماعی برای تولید کننده متون مورد تحلیل را یافته است. مسلماً در این مورد باید به تعریف دقیقتر متغیرها با پایایی و روایی خوبی دست یابیم (افتخاری و جانی پور، ۱۳۹۲: ۲۹ و ۲۸). به زعم هولستی به کمک روش تحلیل محتوا می‌توان ویژگیهای خاص پیامها را به طور نظام یافته و عینی شناسایی کرد به این گونه که پژوهشگر به جای تمرکز بر محصول نهایی یا پیامهای تولید شده بر فرایند تولید پیامها با مضمون اجتماعی متون تأکید، و مؤلف را فاعل خود آگاه لحاظ می‌کند (آقامهدوی و باب اناری، ۱۳۹۰: ۱۶۸). روش تحلیل محتوا به دو صورت کمی و کیفی صورت می‌پذیرد و با توجه به نیاز این مقاله برای مشخص نمودن برجستگی منابع قدرت نرم در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، روش تحلیل محتوای کمی مد نظر است.

برلسون معتقد است روش تحلیل محتوای کمی، فن پژوهشی برای توصیف عینی، نظام‌مند و کمی محتوای مطلب است. کرلینجر نیز آن را شیوه نظام‌مند، عینی و کمی برای اندازه‌گیری متغیرها (شاخص تحقیقات کمی) و تجزیه و تحلیل آنها معرفی کرده است. بر این اساس، تحلیل محتوای کمی باید از چهار ویژگی به این شرح برخوردار باشد: **عینی بودن، نظام‌مند بودن، آشکار بودن و کمی بودن** (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۱۹). روش این تحقیق، شامل تمام این عوامل می‌شود و از شیوه «موضوع‌بندی مقوله‌ها» استفاده می‌کند؛ به این معنا که برای شناسایی برجستگی منابع قدرت نرم در قانون اساسی سعی می‌شود که ضمن بسامدشماری واژگان، مقوله‌ها و منابع قدرت نرم در قانون اساسی در چهار دسته فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و علمی دسته‌بندی شود و از این طریق، میزان برجستگی‌های هر یک از منابع به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

۷. منابع قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون، مجموعه‌ای از قواعد و مقررات مدونی است که روابط افراد جامعه را نظام می‌بخشد و واجد ویژگی الزام‌آوری است. قانون با این تعریف دارای اطلاق و شمول است به گونه‌ای که همه

قواعد جاری را شامل می‌شود. در این میان، «قانون» با پسوند «اساسی»، از اطلاق و شمول بیرون می‌آید و در تشکیلات و روابط قوای عمومی و اصول مهم حقوق هر کشور، منحصر یا دربردارنده قواعد و مقررات ناظر به قدرت انتقال و اجرای قدرت می‌شود. هم‌چنین قانون اساسی هر کشور، رابطه میان هیئت اجتماعی و دولت را به‌عنوان دو کلیت تنظیم می‌کند: مقرراتی پایه‌ای که جامعه مدنی بر اساس آن استقرار می‌یابد و همه قوانین از سرچشمه فیاض آن بهره‌مند می‌شود. بنابراین، قانون اساسی، پایه تشکیل هر نظام سیاسی است. پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، نظام سیاسی ایران دستخوش تغییرات اساسی در مبانی نظری، ساختارها، نهادها و... شد. در این میان، یکی از مهمترین مشوراتی که تغییرات اساسی و بنیادین در آن صورت پذیرفت، قانون اساسی بود. این قانون به منزله اساسنامه نظام جمهوری اسلامی ایران و عالیت‌ترین سند حقوقی و سیاسی کشور، مبنای اعتقادی و فلسفه سیاسی حکومت، ساز و کارها، روندها، سیاستها، هدفها و ارزشهای نظام انقلابی و اسلامی است (معینی پور، ۱۳۸۶: ۲۱۱ و ۲۱۰). در این چارچوب به لحاظ روش شناختی باید به این نکته اشاره کرد که انتظار از قانون اساسی این نیست که مشخصاً در ارتباط با موضوعات جزئی و روزمره سیاست و روابط بین‌الملل به تصمیم‌گیران بگوید که چه تدبیری به کار بندند، بلکه بیشتر همچون چراغ راهنماست که جهت تصمیم‌گیری را مشخص می‌کند و تضمینی برای این است که هدف مخدوش نشود. گرچه قانون اساسی جمهوری اسلامی راهنمای عمل تصمیمات روزمره سیاست داخلی و خارجی کشور نیست، گذشته از اینکه ماهیت و بنیاد سیاستهای جمهوری اسلامی ایران را روشن می‌سازد، شیوه درک مسائل را نیز تبیین می‌کند؛ بدین ترتیب، اندیشه قدرت نرم جمهوری اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نهفته است. برای شناسایی منابع و عوامل قدرت نرم در قانون اساسی، دو تفسیر وجود دارد: تفسیر بر اساس پیشینه ذهنی خود پژوهشگر یا تصمیم‌گیر و تفسیر براساس روح حاکم بر قانون اساسی در عرصه منافع ملی و قدرت ملی کشور در اوضاع متحول جهانی. به هر حال، اصول قانون اساسی شامل درخواست توجه به ملتها و دولتها، جایگاه ایرانیان و مسلمانان جهان، اسلام و ایران، اوضاع ملتهای مستضعف و قدرتهای بزرگ و دین و دنیا می‌شود؛ بدین ترتیب، قانون اساسی جمهوری اسلامی، عناصری مانند جهانگرایی اخلاقی، نگاه منطقه‌ای و گرایشهای فرهنگمدار را وارد جریان سیاست و قدرت می‌سازد. قانون اساسی از ظهور کشوری قدرتمند و سیاست خارجی ویژه سخن می‌گوید که همزمان ایرانی و

جهانی، تاریخی و مدرن، دنیوی و دینی است و از مباحث آسیب‌شناسانه و داوری‌گرایانه در سیاست جهانی نیز تهی نیست و هنر سیاست‌آن در این است که بتواند از همه ظرفیتهای آن استفاده نماید؛ به عبارتی دیگر، قانون اساسی جمهوری اسلامی از دستیابی به اهداف کلان نیز سخن می‌گوید. آنچه در نگاه اول به ذهن متبادر می‌شود این است که در قانون اساسی در ارتباط با سیاست و قدرت ملی، مفاهیم مختلفی از جمله مفاهیم دستوری، تجویزی عام، آرمانهای جهانی و شعاری یافت شود؛ اما بسادگی نمی‌توان گفت که این مفاهیم کم اهمیت است؛ برای نمونه، شعارها برآیند شعورهای فردی و حاصل پویش جمعی است و می‌توان آنها را آینه‌ای برای شعور جمعی دانست. شعارها حاصل جمع پویشهای تاریخی نسلهای متمادی نیز می‌تواند باشد؛ از این رو، شعارها می‌تواند معانی تاریخی پراهمیتی داشته باشد؛ پس می‌توان گفت مفاهیم قانون اساسی و حتی شعارهای آن، برخلاف برخی تصورات، اصلاً شایسته کم توجهی نیست (نک: طاهایی، ۱۳۸۷). بنابراین، رویکرد این مقاله این است که سیاستمداران و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران برای پیشبرد راهبردها و ارتقای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران باید به قانون اساسی رجوع کنند و با شناسایی عوامل، منابع و ظرفیتهای این سند، تصمیمات نهایی را بگیرند؛ زیرا مفاد و اصول این سند حقوقی مبین خواست ملت ایران، و با توجه به این ویژگیهاست که شناسایی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی حائز اهمیت می‌گردد. از آنجا که عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی حوزه‌های دانش در قانون اساسی وجود دارد، شناسایی ظرفیتهای عوامل مربوط با هر بخش می‌تواند کمک زیادی به تولید قدرت نرم کند که در ادامه، آنها بررسی می‌شود.

۷-۱. منابع فرهنگی

نگرشی بر اصول قانون اساسی، نشان می‌دهد که روح حاکم بر اصول این سند حقوقی، فرهنگی - عقیدتی است که ملهم از ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی است و می‌توان به خیلی از عوامل فرهنگی این سند اشاره کرد به گونه‌ای که هر کدام از آنها می‌تواند تضمین‌گر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران باشد. اهمیت فرهنگ در قانون اساسی به حدی است که خیلی از نهادها باید «در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت گسترش فرهنگ اسلامی» (قانون

اساسی، ۱۳۸۷: ۲۴) اقدام کنند. به موجب اصل اول قانون اساسی، جمهوری اسلامی نظامی است که بر استقلال فرهنگی و همه جانبه مبتنی است و در عین حال، دولت جمهوری اسلامی در اصل دوم قانون اساسی باید تلاش کند تا «محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی»، «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت فرهنگی»، «تتبع و ابتکار در تمامی زمینه‌های فرهنگی و اسلامی» و... را فراهم سازد که حاکی از اهمیت فرهنگ و اعتقادات ایرانی- اسلامی در این سند است. با توجه به کارویژه‌ها و ظرفیتهایی که این عوامل فرهنگی دارد، تولیدکننده قدرت و اقتدار نرم خواهد بود که برخی از آنها عبارت است از: نهادهای فرهنگی، اصول و ضوابط اسلامی، انعکاس خواست قلبی امت، مکتبی و اسلامی بودن، رهبری روحانیت، مواضع اصیل اسلامی، روشنگری (نهادهایی نظیر حوزه‌های علمیه، مساجد و دانشگاه‌ها)، الهامگیری از مکتب انقلابی و پر بار اسلام، همبستگی اقشار مذهبی، استقلال و آزادی، بازگشت به مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی، عینیت بخشی به زمینه‌های اعتقادی، رشد دادن انسانها در حرکت به سوی نظام الهی (و الی الله المصیر: نور/۴۲)، فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی، بازیابی هویت اصلی و حقوق انسانی، حرکت تکاملی خانواده، پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی، اشاعه فرهنگ اسلامی، پرهیز از گسترش و ترویج ویژگی تخریبی و ضد اسلامی (اصول مقدمه قانون اساسی)، اعتقاد به حکومت حق و عدل قرآن (اصل اول)، ایمان به خدای یکتا (لا اله الا الله) و تسلیم در برابر او، استقلال فرهنگی، همبستگی ملی (بندهای اصل دوم)، محیط مساعد رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با تمام مظاهر فساد و تباهی، بالا بردن سطح آگاهیهای عمومی در همه زمینه‌ها، استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی، آموزش و پرورش، آسان‌سازی و تعمیم آموزش عالی، تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فرهنگی و اسلامی، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت فرهنگی خویش، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، توسعه و تحکیم برادری اسلامی (بندهای اصل سوم)، رعایت موازین اسلامی در تمام قوانین و مقررات فرهنگی (اصل چهارم)، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر (اصل هشتم)، آزادی، حق نداشتن خدشه وارد کردن به استقلال فرهنگی (اصل نهم)، آسان کردن تشکیل خانواده به عنوان واحد بنیادی جامعه اسلامی، پاسداری از قداست خانواده و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق

اسلامی (اصل دهم)، کوشش پیگیرانه برای تحقق وحدت فرهنگی جهان اسلام (اصل یازدهم)، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری به مثابه دین رسمی ایران و حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب (اصل دوازدهم)، اخلاق حسنه، رعایت قسط و عدل اسلامی در برخورد با افراد غیرمسلمان (اصل چهاردهم)، زبان و خط فارسی (اصل پانزدهم)، حمایت از همه حقوق فرهنگی ملت با رعایت موازین اسلامی (اصل بیستم)، ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن، حفظ کیان و بقای خانواده (بندهای اصل بیست و یکم)، مصونیت حیثیت و حقوق افراد از تعرض (اصل بیست و دوم)، ممنوعیت تفتیش عقاید (اصل بیست و سوم)، آزادی مطبوعات (اصل بیست و چهارم)، ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت افراد (اصل سی و نهم)، حفظ حقوق عمومی (اصل شصت و یکم)، انتخاب شوراها برای پیشبرد سریع برنامه‌های فرهنگی (اصل یکصد)، پاسداری از انقلاب اسلامی (اصل یکصد و هفتاد و ششم)، و ابتدای تمام قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی (اصل یکصد و هفتاد و هفتم). منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی قابل بررسی در چهار عامل دین و ارزشهای معنوی، هویت اسلامی-ایرانی، باورها و اعتقادات ملی، و استقلال فرهنگی است.



شکل ۱. عوامل فرهنگی قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

باید اذعان کرد که به دلیل ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی و پیوند استوار دین و سیاست در قانون اساسی، برخی از عوامل فرهنگی مرتبط با قدرت نرم، دارای ماهیتی سیاسی و اعتقادی دارد که از این رو، برخی عوامل و منابع دارارای کارکردهای فرهنگی، هویتی، سیاسی، و حتی اعتقادی است. به هر روی در ادامه به فراوانی منابع فرهنگی قدرت نرم اشاره می شود.

جدول ۱. فراوانی عوامل فرهنگی قدرت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ردیف	عوامل فرهنگی قدرت نرم در قانون اساسی	تعداد فراوانی	درصد
۱	دین و ارزشهای معنوی	۵۹	۳۹/۳۳
۲	هویت اسلامی-ایرانی	۵۶	۳۶/۱۲
۳	استقلال فرهنگی	۱۰	۶/۶۶
۴	باورها و اعتقادات ملی	۲۵	۱۶/۶۶
مجموع	۴	۱۵۰	۱۰۰

با توجه به این داده‌های، مشخص می‌شود که «دین و ارزشهای معنوی» بیشترین فراوانی را در اصول قانون اساسی مرتبط با منابع فرهنگی قدرت نرم دارد. البته باید توجه کرد که خیلی از منابع و عوامل فرهنگی میان ارزشهای دینی، هویت اسلامی و اعتقادات ملی مشترک است که به دلیل نزدیکی هویت و فرهنگ ایرانی با فرهنگ غنی اسلامی است. دین و ارزشهای دینی با دارا بودن ۳۹/۳۳ درصد فراوانی، بیشترین منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در قانون اساسی دارد و بعد از آن، هویت اسلامی-ایرانی است که با ۳۶/۱۲ درصد فراوانی قرار دارد. همپوشانی زیادی میان هویت اسلامی و ارزشهای دینی وجود دارد و همین مسئله سبب گشته است این دو عوامل به نسبت متساوی و گسترده‌ای در قانون اساسی تکرار شود که نمایانگر روح و ماهیت فرهنگی قانون اساسی است. بعد از این دو عامل، باورها و اعتقادات ملی با ۱۶/۶۶ و استقلال فرهنگی با ۶/۶۶ درصد فراوانی قرار دارد.

۲-۷. منابع سیاسی

منابع سیاسی قدرت نرم در قانون اساسی در دو حوزه ارزشها و مطلوبیتهای سیاسی و سیاست خارجی قابل شناسایی است.

۲-۷-۱. منابع سیاسی قدرت نرم در حوزه ارزشها و مطلوبیتهای سیاسی

عوامل مرتبط با قدرت نرم در حوزه ارزشهای سیاسی شامل این موارد می‌شود: مکتبی و اسلامی بودن جمهوری اسلامی، رهبری روحانیت، وجدان بیدار ملت، پیوند مستحکم امت با امام،

بالا بردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان، ولایت فقیه، ایجاد راه اصیل مبارزه مکتبی، استقلال، آزادی، وحدت، قاطعیت رهبری در مقاطع حساس، بازگشت به جهان بینی اصیل اسلامی، موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه)، نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی، سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان، مشارکت فعال و گسترده، حفظ و حراست از مرزها، پاسداری از حقوق مردم (اصول مقدمه قانون اساسی)، اعتقاد به حکومت حق و عدل قرآن (اصل اول)، همبستگی ملی، استقلال سیاسی، امامت و رهبری مستمر (اصل دوم)، محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی، تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون، تقویت کامل توان دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی، تعاون عمومی و تحکیم برادری اسلامی (بندهای اصل سوم)، امر به معروف و نهی از منکر (اصل هشتم)، برخورد با غیرمسلمانان از روی قسط و عدل اسلامی و اخلاق حسنه (اصل چهاردهم)، حمایت از همه حقوق انسانی و سیاسی (اصل بیستم)، ممنوع بودن تفتیش عقاید (اصل بیست و سوم)، آزادی احزاب، جمعیت ها و انجمنهای سیاسی (اصل بیست و ششم)، حق دادخواهی و رجوع به دادگاه صالح (اصل سی و چهارم)، ممنوع بودن شکنجه (اصل سی و هشتم)، ممنوع بودن هتک حرمت و حیثیت مجرمین (اصل سی و نهم)، حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم (اصل شصت و هفتم)، تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی (اصل یکصد و پنجاه و ششم).

۲-۲-۲. منابع سیاسی قدرت نرم در حوزه سیاست خارجی

در مقدمه قانون اساسی آمده است که «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می کند بویژه در گسترش روابط بین المللی با دیگر جنبش های اسلامی و مردمی می کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (ان هذا امتکم واحده و انا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد» (قانون اساسی، ۱۳۸۷: ۱۸). بر این اساس، عوامل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی می تواند محبوبیت و نفوذ ایران را در سطح منطقه و ژئوپلیتیک امت اسلامی بیفزاید که برخی از آنها عبارت است از: ضدیت با استعمار، تداوم انقلاب در داخل و خارج از کشور، گسترش روابط

با جنبش‌های اسلامی و مردمی، نجات ملت‌های محروم و تحت ستم در تمامی جهان، تحقق حکومت مستضعفان، جهاد در راه خدا در جهان (اصول مقدمه قانون اساسی)، نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری (اصل دوم)، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب (اصل سوم)، تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان (اصل سوم)، سیاست مبتنی بر ائتلاف و اتحاد ملت‌های اسلامی، کوشش پیگیرانه در راستای وحدت سیاسی جهان اسلام (اصل یازدهم)، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه گر، روابط صلح آمیز با دولتهای غیرمحارب و نفی سلطه پذیری (اصل یکصد و پنجاه و دوم)، حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران (اصل یکصد و پنجاه و چهارم) و بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی (اصل یکصد و هفتاد و ششم). این منابع سیاسی قدرت نرم در چهار بخش وفاق اجتماعی، سیاست خارجی، استقلال سیاسی و حقوق انسانی و سیاسی



شکل ۲. عوامل سیاسی قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

از میان منابع سیاسی قدرت نرم، عوامل سیاست خارجی مربوط به تمامی عوامل و توان قانون اساسی است که توانمندی قدرت جمهوری اسلامی ایران را در فراتر از مرزهای سرزمینی افزایش می‌دهد و در نقطه مقابل، بخشهای ارزشهای سیاسی، وفاق و وحدت اجتماعی، استقلال سیاسی و حقوق انسانی- سیاسی بر ظرفیتهای قانون اساسی برای تولید، افزایش و پخش قدرت نرم در سطح ملی اشاره دارد.

جدول ۲. فراوانی عوامل سیاسی قدرت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ردیف	عوامل سیاسی قدرت نرم در قانون اساسی	تعداد فراوانی	درصد
۱	وفاق اجتماعی (وحدت ملی)	۹	۷/۶۹
۲	استقلال سیاسی	۱۵	۱۲/۸۲
۳	حقوق انسانی - سیاسی	۶۹	۵۸/۹۷
۴	سیاست خارجی	۲۴	۲۰/۵۱
مجموع	۴	۱۱۷	۱۰۰

با توجه به این داده‌ها، ارزشها و مطلوبیت‌های سیاسی (حقوق سیاسی، استقلال و وفاق اجتماعی) فراوانی بیشتری نسبت به منابع سیاست خارجی قدرت نرم دارد. منابع سیاسی در سطح ملی با داشتن ۷۹/۴۸ درصد فراوانی، برجستگی بیشتری نسبت به منابع سیاست خارجی قدرت نرم با ۲۰/۵۱ درصد فراوانی دارد؛ به این معنا که با توجه به قانون اساسی، تمرکز اصلی بر روی توانمندی و ارتقای عوامل قدرت نرم در سطح داخلی است و بعد از ساختن جامعه و دولتی قوی، توجه به روابط خارجی معطوف می‌شود. در میان عوامل و منابع سیاسی قدرت نرم در قانون اساسی، حقوق انسانی-سیاسی با ۵۸/۹۷ درصد فراوانی از بیشترین برجستگی برخوردار است. حقوق سیاسی-انسانی در قانون اساسی با عواملی نظیر آزادی، استقلال، مشارکت، برابری، عدم تبعیض و... قابل تبیین و مذاقه است و در مرتبه‌های بعدی، سیاست خارجی (۲۰/۵۱)، استقلال سیاسی (۱۲/۸۲) و وفاق اجتماعی (۷/۶۹) قرار دارد.

۳-۷. منابع اقتصادی

اقتصاد پدیده‌ای است که نظام سیاسی کشورها با توجه و اتکا به آن شکل می‌گیرد و به صورت امری کاملاً سیاسی و حکومتی ظاهر می‌شود. در این روند برای تعیین و تثبیت نظام اقتصادی حاکم بر اقتصاد کشورها به طور معمول در قوانین اساسی، اصولی گنجانده می‌شود که نشاندهنده نگرش حاکمیت به مسئله اقتصاد و نوع اقتصاد حاکم بر هر کشور است. این اصول با طرح دیدگاه‌های کلی درباره مسائل اصلی اقتصاد جامعه و پرهیز از ورود به موارد جزئی و متغیر، نقشی کاملاً مؤثر در ساماندهی اقتصادی هر کشور، متناسب با نگرش مورد پذیرش جامعه و حاکمیت سیاسی آن دارد. فصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طی ۱۳ اصل به

طراحی اصول کلی اقتصادی جامعه پرداخته است (محقق، ۱۳۸۴: ۹۰). البته در مقدمه قانون اساسی در خصوص اقتصاد آمده است که «در تحکیم بنیانهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست و نه همچون دیگر نظامهای اقتصادی تمرکز و تکثیر ثروت و سودجویی؛ زیرا در مکاتب مادی، اقتصاد، هدف است و بدین دلیل در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله جز کارایی بهتر در راه رسیدن به هدف نمی‌توان انتظاری داشت؛ با این دیدگاه برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است» (قانون اساسی، ۱۳۸۷: ۲۱ و ۲۰). با این اوصاف، اقتصاد در قانون اساسی وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف متعالی نظیر بسترسازی برای رسیدن به جامعه نمونه است. به‌رغم این مسائل، عوامل و منابع اقتصادی در اصول اقتصادی قانون اساسی، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را ارتقا می‌دهد که برخی از آنها عبارت است از: تأمین امکانات مساوی و متناسب، ایجاد کار برای همه افراد، رفع نیازهای ضروری افراد (بندهای مقدمه قانون اساسی)، استقلال اقتصادی (اصل دوم)، مبارزه با فساد، مشارکت عامه مردم در سرنوشت اقتصادی خویش، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، ایجاد نظام اداری صحیح، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی به‌منظور ایجاد رفاه و رفع فقر، برطرف ساختن هر نوع محرومیت، تأمین خودکفایی (بندهای اصل سوم)، آزادی اقتصادی (اصل نهم)، حقوق اقتصادی برابر (اصل بیستم)، مصونیت مال، حقوق و شغل افراد از تعرض (اصل بیست و دوم)، امکان اشتغال به کار برای همه و شرایط مساوی برای احراز مشاغل (اصل بیست و هشتم)، برخورداری از تأمین اجتماعی (اصل بیست و نهم)، برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادگی او، ریشه کن کردن محرومیت و فقر و برآوردن نیازهای انسان، تأمین نیازهای اساسی (مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم به‌منظور تشکیل خانواده برای همه)، قرار دادن وسائل کار در اختیار همه، منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام، منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات، جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور و افزایش تولیدات برای تأمین نیازهای عمومی (بندهای اصل چهارم و سوم). این منابع و عوامل را می‌توان در چهار بخش خودکفایی و استقلال اقتصادی، تأمین نیازهای اساسی مردم، محرومیت‌زدایی و تولید ملی مورد واکاوری قرار داد.



شکل ۳. عوامل اقتصادی قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بررسی عوامل اقتصادی در اصول قانون اساسی نشان داد که در این سند، استقلال اقتصادی و خودکفایی با توانمندی قدرت ملی ارتباط زیادی دارد و در عین حال، فصل سوم و چهارم قانون اساسی بر حفظ و صیانت از حقوق اقتصادی مردم تأکید زیادی دارد که در عواملی نظیر تأمین نیازهای اساسی مردم، استقلال اقتصادی و برابری در موضوعات اقتصادی گواه بر این مدعاست. از آنجا که داشتن سامانه اقتصادی سالم و قوی می تواند به اقتدار و قدرت دولت کمک زیادی نماید، عوامل زیادی در این سند حقوقی بر توانمندی اقتصادی مردم و حتی دولت ناظر است. به هر روی در نمودار زیر فراوانی عوامل اقتصادی مرتبط با قدرت نرم نمایش داده می شود.

جدول ۳. فراوانی مؤلفه های اقتصادی قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ردیف	عوامل اقتصادی قدرت نرم در قانون اساسی	تعداد فراوانی	درصد
۱	تأمین نیازهای اساسی مردم	۳۷	۴۹/۳۳
۲	خودکفایی و استقلال اقتصادی	۱۹	۲۵/۳۳
۳	محروریت زدایی	۱۰	۱۳/۳۳
۴	تولید ملی	۹	۱۲
مجموع	۴	۷۵	۱۰۰

با توجه به اینکه ماهیت انقلاب اسلامی، فرهنگی- عقیدتی است و قانون اساسی هم تحت تأثیر عوامل هویتی- فرهنگی انقلاب اسلامی است، اما از اقتصاد غفلت نشده و سیاستهای اقتصادی

در این سند قابل رویت است. هر چند اقتصاد در قانون اساسی دارای اصالت نیست به عنوان یکی از نیازهای اصلی حکومتها و جوامع بشری به آن پرداخته شده است که رعایت این سیاستها می تواند به استقلال همه جانبه ایران و تقویت قدرت اقتصادی کمک شایانی بکند. در میان عوامل اقتصادی، سیاستهای مرتبط با تأمین نیازهای اساسی مردم در حوزه مادیات و اقتصاد نیز بیشترین فراوانی را با ۴۹/۳۳ درصد در اختیار دارد و در مرتبه های بعدی، خودکفایی و استقلال اقتصادی (۲۵/۳۳)، محرومیت زدایی (۱۲/۳۳) و تولید ملی (۱۲) قرار دارد.

۷-۴. منابع علمی

علم و آموزش و پرورش مورد توجه قانون اساسی است تا جایی که دولت موظف به تأمین آن برای همه شهروندان است. برخی از این عوامل که بر قدرت نرم تأثیرگذار است، عبارت است از: استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها (اصل دوم)، بالا بردن سطح آگاهیهای عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، آسان سازی و تعمیم آموزش عالی، تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی و فنی، تأسیس مراکز تحقیق و تشویق پژوهشگران، تأمین خودکفایی در علوم و فنون (بند های اصل سوم)، تدریس علوم و معارف اسلامی (اصل شانزدهم)، آزاد بودن نشریات و مطبوعات (اصل بیست و چهارم)، فراهم کردن وسائل آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه (اصل سی ام)، استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر نسبت به نیاز برای توسعه و پیشرفت کشور (اصل چهل و سوم)، و پیشبرد سریع برنامه های آموزشی (اصل یکصدم). این عوامل در دو بخش آموزش و پرورش و بهره گیری از علوم برای پیشبرد اهداف ترسیم شده قابل مشاهده و بررسی است.

جدول ۴. فراوانی عوامل علمی قدرت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ردیف	عوامل علمی قدرت نرم در قانون اساسی	تعداد فراوانی	درصد
۱	بهره گیری از علوم و فنون	۸	۴۲/۱۰
۲	آموزش و پرورش مناسب	۱۱	۵۷/۸۹
مجموع	۲	۱۹	۱۰۰

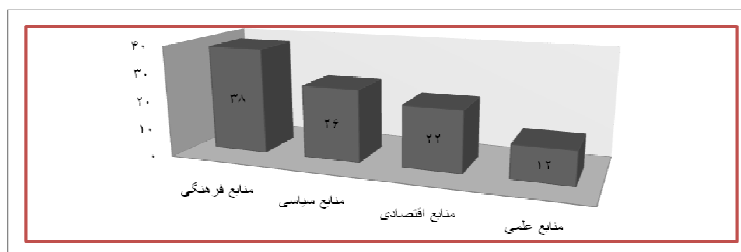
راهبرد علم و دانش و بهره‌گیری از علوم و فنون در قانون اساسی به تحکیم قدرت جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های علمی کمک زیادی می‌کند و در میان اصول مرتبط با علم و دانش، خیلی از عوامل در حوزه آموزش و پرورش قرار دارد و باقیمانده آنها در حوزه استعانت از علوم و فنون برای پیشبرد اهداف تأکید دارد. آموزش و پرورش (۵۷/۸۹) از بیشترین فراوانی در میان عوامل علمی قانون اساسی برخوردار است و بهره‌گیری از علوم و فنون با فراوانی ۴۲/۱۰ در مرتبه بعدی قرار دارد.

۸. تجزیه و تحلیل

بررسی داده‌های مرتبط با منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی نشان می‌دهد:

۸-۱. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منابع قدرت نرم در حوزه‌های چهارگانه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و علمی وجود دارد که در تعامل با یکدیگر بر پیشبرد سیاستهای ایران تأثیر می‌گذارد. در میان این منابع، فرهنگ با قدرت نرم ارتباط استواری دارد به گونه‌ای که بیشترین برجستگی منابع قدرت نرم در این سند حقوقی-سیاسی مربوط به منابع فرهنگی است. چنین امری نشان‌دهنده پیوند قانون اساسی با ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی است و قدرت فرهنگی (معنوی) نقش اساسی در اعتلای جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت.

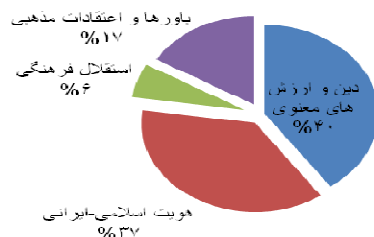
۸-۲. منابع فرهنگی قدرت نرم در قانون اساسی با داشتن ۴۱/۵۵ درصد فراوانی، نزدیک به نیمی از منابع قدرت نرم را تشکیل می‌دهد و در مرتبه‌های بعدی، منابع سیاسی (۳۲/۴۰)، اقتصادی (۲۰/۷۷) و علمی (۵/۲۶) قرار دارد.



نمودار ۱. برجستگی منابع قدرت نرم ایران در قانون اساسی

۸-۳. در میان منابع فرهنگی قدرت نرم در قانون اساسی، دین و ارزشهای معنوی بیشترین تأثیر را بر تولید قدرت نرم دارد و ۳۹/۳۳ درصد منابع فرهنگی به این بخش تعلق دارد. هویت اسلامی-ایرانی (۳۶/۱۲)، باورها و اعتقادات مذهبی (۱۶/۶۶) و استقلال فرهنگی (۶/۶۶) از دیگر عوامل فرهنگی قدرت نرم در قانون اساسی است که در مرتبه‌های بعدی قرار دارند.

برجستگی منابع فرهنگی قدرت نرم در قانون اساسی

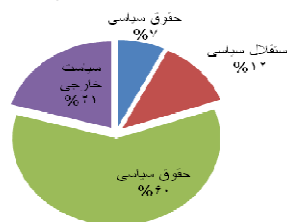


شکل ۴. برجستگی منابع فرهنگی قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۸-۴. در میان منابع سیاسی قدرت نرم در قانون اساسی، می‌توان دو دسته منابع را شناسایی نمود: ارزشها و مطلوبیتهای سیاسی و سیاست خارجی. در میان این عوامل، ارزشهای سیاسی بیشترین برجستگی را نسبت به منابع خارجی تأثیرگذار بر قدرت نرم ایران دارد. در مجموع عوامل سیاسی قدرت نرم، حقوق انسانی-سیاسی (۵۸/۹۷) بیشترین فراوانی را دارا است و در مرحله بعدی، سیاست خارجی (۲۰/۵۱)، استقلال سیاسی (۱۲/۸۲) و وفاق اجتماعی یا وحدت ملی (۷/۶۹) قرار دارد. این برجستگی‌ها نشان می‌دهد که تأکید قانون اساسی بر تقویت قدرت سیاسی در سطح ملی است و ارتقای قدرت ملی در روابط بین‌الملل را به توانمندی ملی منوط می‌داند.

برجستگی منابع قدرت نرم ایران، مطالعه موردی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

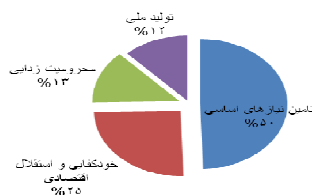
برجستگی منابع سیاسی قدرت نرم در قانون اساسی



شکل ۵. برجستگی منابع سیاسی قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۸-۵. در میان منابع اقتصادی قدرت نرم، تأمین نیازهای اساسی مردم (۴۹/۳۳) در توانمندی قدرت اقتصادی ایران نقش مهمی دارد و از بیشترین برجستگی و تکرار عوامل برخوردار است. علاوه بر این عامل، خودکفایی و استقلال اقتصادی (۲۵/۳۳)، محرومیت زدایی (۱۳/۳۳) و تولید ملی (۱۲) در مرتبه‌های بعدی قرار دارد.

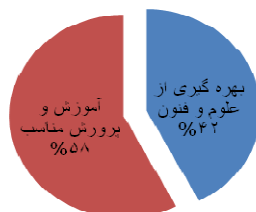
برجستگی منابع اقتصادی قدرت نرم در قانون اساسی



شکل ۶. برجستگی منابع اقتصادی قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۸-۶. در میان عوامل مرتبط با تولید قدرت نرم در قانون اساسی به علم و دانش هم می‌توان اشاره کرد. البته توجه به علم، فنون و اطلاعات توجه کمتری نسبت به عوامل فرهنگی و سیاسی شده است و این دسته از عوامل، حدود ۵/۲۶ درصد از منابع قدرت نرم را تشکیل می‌دهند. با وجود این، آموزش و پرورش صحیح و مناسب (۵۷/۸۹) بیشترین فراوانی را در میان عوامل مرتبط با علم را برخوردار است و در مرتبه‌ای پایین‌تر، بهره‌گیری از علوم و فنون (۴۲/۱۰) قرار دارد.

برجستگی منابع علمی قدرت نرم در قانون اساسی



شکل ۷. برجستگی منابع علمی قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۷-۸. با توجه به منابع و عوامل مرتبط با قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منابع ذیل بیشترین تأثیر و رابطه را با قدرت نرم جمهوری اسلامی خواهد داشت: دین و ارزشهای معنوی (منبع فرهنگی)، پاسداشت حقوق انسانی و سیاسی (منبع سیاسی)، تأمین نیازهای اساسی و ضروری مردم (منبع اقتصادی) و آموزش و پرورش صحیح و کاربردی (منبع علمی).

۹. نتیجه‌گیری

قدرت نرم و توانمندی در کاربست منابع آن یکی از مسائل مهم پیش روی نظامهای سیاسی در صحنه ملی و بین‌المللی در عصر ارتباطات و اطلاعات است. به همین دلیل خیلی از کشورها خواستار ارتقای قدرت نرم خود هستند و این مهم از طریق شناسایی عوامل و ظرفیتهای بومی قابلیت تحقق دارد. از این رو، جمهوری اسلامی ایران برای افزایش قدرت نرم خود در سطح ملی و بین‌المللی باید منابع، عوامل و ظرفیتهای ملی خود را شناسایی، و با تمرکز بر این منابع، قدرت نرم خود را بازسازی کند. اسناد فرادستی یکی از منابع مهم شناسایی منابع قدرت نرم کشورها به‌شمار می‌رود که بررسی آنها می‌تواند جایگاه، ظرفیتهای بومی، کاستیها و راهبردها را به کشورها در زمینه قدرت نرم افزاری نشان دهد. در این میان، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از اسناد فرادستی ایران است که بررسی و مذاقه در آن می‌تواند منابع و توان بومی قدرت نرم ایران را مشخص سازد. باید اذعان کرد که قانون اساسی به منزله اساسنامه نظام جمهوری اسلامی ایران و

مهمترین سند حقوقی کشور، مبین مبانی اعتقادی و فلسفه سیاسی حکومت، ساز و کارها، روندها، سیاستها، هدفها و ارزشهای نظام انقلابی و اسلامی، و همین امر سبب شده است مجموعه‌ای از راهبردها و سیاستهای ارتقا دهنده قدرت ملی جامعه ایرانی در آن یافت شود. بر همین اساس، این مقاله تلاش می‌کند منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و برجستگی این منابع را مشخص کند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که منابع متعددی برای تولید و بازتولید قدرت نرم ایران در قانون اساسی هست که در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و علمی قابل شناسایی است.

الف) در نگرشی عام و جامع، منابع فرهنگی ارتقا دهنده قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی عبارت است از: مکتبی و اسلامی بودن، رهبری روحانیت، مواضع اصیل اسلامی، الهام‌گیری از مکتب انقلابی و پر بار اسلام، همبستگی اقشار مذهبی، استقلال و آزادی، بازگشت به مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی، عینیت بخشی به زمینه‌های اعتقادی، رشد دادن انسانها در حرکت به سوی نظام الهی، بازیابی هویت اصلی و حقوق انسانی، پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی، گسترش فرهنگ اسلامی، پرهیز از گسترش و ترویج ویژگیهای تخریبی و ضد اسلامی، ایمان به خدای یکتا و تسلیم در برابر او، استقلال فرهنگی، محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با تمام مظاهر فساد و تباهی، بالا بردن سطح آگاهیهای عمومی در همه زمینه‌ها، استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی، آموزش و پرورش، آسان‌سازی و تعمیم آموزش عالی، تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فرهنگی و اسلامی، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت فرهنگی خویش، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، توسعه و تحکیم برادری اسلامی، رعایت موازین اسلامی در تمام قوانین و مقررات فرهنگی، پاسداری از قداست خانواده و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی، حمایت از همه حقوق فرهنگی ملت با رعایت موازین اسلامی، پاسداری از انقلاب اسلامی و ابتدای تمام قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی.

ب) ارزشهای سیاسی تأثیرگذار بر قدرت نرم جامعه ایرانی عبارت است از: مکتبی و اسلامی بودن جمهوری اسلامی، رهبری روحانیت، وجدان بیدار ملت، پیوند مستحکم امت با امام، بالا بردن

سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان، ولایت فقیه، ایجاد راه اصیل مبارزه مکتبی، استقلال، آزادی، قاطعیت رهبری در مقاطع حساس، بازگشت به جهان بینی اصیل اسلامی، موازین اسلامی جامعه نمونه، نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی، سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان، مشارکت فعال و گسترده، پاسداری از حقوق مردم، همبستگی ملی، استقلال سیاسی، محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی، تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون، تقویت کامل توان دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی، تعاون عمومی و تحکیم برادری اسلامی، حمایت از همه حقوق انسانی و سیاسی، ممنوع بودن تفتیش عقاید، آزادی احزاب، جمعیت‌ها و انجمنهای سیاسی، حق دادخواهی و رجوع به دادگاه صالح، حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم، تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی. این عوامل سیاسی بر توانمندی قدرت نرم در سطح جامعه ایرانی تأثیرگذار است و در حوزه سیاست خارجی، عواملی نظیر ضدیت با استعمار، تداوم انقلاب در داخل و خارج از کشور، گسترش روابط با جنبش‌های اسلامی و مردمی، نجات ملت‌های محروم و تحت ستم در تمامی جهان، تحقق حکومت مستضعفان، جهاد در راه خدا در جهان، نفی هرگونه ستمگری و ستم کشی و سلطه‌گری، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان، سیاست مبتنی بر ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی، کوشش پیگیرانه در راستای وحدت سیاسی جهان اسلام، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه گر، روابط صلح آمیز با دولتهای غیرمحارب و نفی سلطه‌پذیری، حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران و بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی بر قدرت نرم افزاری جمهوری اسلامی ایران در سطح بین المللی تأثیر می‌گذارد.

پ) عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی عبارت است از: تأمین امکانات مساوی و متناسب، استقلال اقتصادی، مشارکت عامه مردم در سرنوشت اقتصادی خویش، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی به‌منظور ایجاد رفاه و رفع فقر، برطرف ساختن هر نوع محرومیت، تأمین خودکفایی، برخورداری از تأمین

اجتماعی، برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادگی او، ریشه کن کردن محرومیت و فقر، تأمین نیازهای اساسی (مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم تشکیل خانواده برای همه)، منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام، منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه گذاری، تولید، توزیع و خدمات، جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور، و افزایش تولیدات برای تأمین نیازهای عمومی. این عوامل ضمن تقویت قدرت اقتصادی در سطح ملی، زمینه های افزایش قدرت را در سطح بین المللی فراهم خواهد کرد؛ زیرا سیاست خارجی قوی نیازمند داشتن اقتصاد ملی نیرومند و پویا است.

ت) منابع علمی قدرت نرم در قانون اساسی به این شرح است: استفاده از علوم و فنون و تجربه های پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها، افزایش سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، آسان سازی و تعمیم آموزش عالی، تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی و فنی، تأسیس مراکز تحقیق و تشویق پژوهشگران، تأمین خودکفایی در علوم و فنون، استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر نسبت به نیاز توسعه و پیشرفت کشور و پیشبرد سریع برنامه های آموزشی.

تجزیه و تحلیل این مطالب نشان می دهد که در میان منابع قدرت نرم در این سند حقوقی، تمرکز بر منابع فرهنگی است که با دارا بودن ۴۱/۵۵ درصد فراوانی، بیشترین عوامل مرتبط با قدرت نرم را در اختیار دارد. در میان مولفه های فرهنگی، دین و ارزشهای معنوی (۳۹/۳۳) از بیشترین فراوانی در میان عوامل فرهنگی برخوردار است و با تولید قدرت نرم افزاری و واقعی جمهوری اسلامی ایران ارتباط مستقیمی دارد. علاوه بر ارزشهای دینی، هویت اسلامی-ایرانی، استقلال فرهنگی و اعتقادات مذهبی از عوامل دیگری است که امکان بازتولید قدرت نرم برای ایران را دارا است. سیاست و عوامل مرتبط با آن در مرتبه بعدی قرار دارد و نزدیک به ۳۲ درصد منابع قدرت نرم مرتبط با آنها است. منابع سیاسی در قانون اساسی در دو بخش داخلی و خارجی تقسیم شده است که برجستگی بیشتر با ارزشها و مطلوبیتهای سیاسی است که در این میان، عوامل پاسداشت و رعایت حقوق انسانی-سیاسی بیشترین فراوانی را با ۵۸/۹۷ درصد دارد. استقلال

سیاسی، وفاق اجتماعی (همبستگی و وحدت ملی) و سیاست خارجی هم بر توانمندی قدرت نرم ایران می‌افزاید. علاوه بر این منابع، باید توجه کرد که قانون اساسی به عوامل اقتصادی هم توجه می‌کند که در میان این منابع، تأمین کردن نیازهای اساسی مردم (۴۹/۳۳) از بیشترین برجستگی برخوردار است و در این میان، خودکفایی و استقلال اقتصادی، محرومیت زدایی و تولید ملی در ارتباط با قدرت نرم قرار دارد. سرانجام اینکه، علم و دانش هم مورد توجه قانون اساسی است و دو راهبرد آموزش و پرورش مناسب (۵۷/۸۹) و بهره‌گیری از علوم و فنون (۴۲/۱۰) از بیشترین فراوانی برخوردار است.

فهرست منابع

۱. ابنابی الحمید، عبدالحمید بن هبه الله (بی تا). **شرح نهج البلاغه**. قم. کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ابیا، حمید و مهدی خانی (۱۳۹۱). «اثربخشی قدرت نرم برنامه‌های راهیان نور». **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**. س دوم. پاییز و زمستان. ش ۷. ص ۲۶-۹.
۳. استیرن، فرانسوا (۱۳۸۱). **خشونت و قدرت**. ترجمه بهنام جعفری. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۴. افتخاری، اصغر و محمد جانی پور (۱۳۹۲). «منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران». **پژوهشنامه انقلاب اسلامی**. س سوم. زمستان، ش ۹. ص ۴۶-۲۳.
۵. افتخاری، اصغر و مهدی بیکی (۱۳۸۹). «تأثیرات جمهوری اسلامی ایران بر لبنان». **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**. س هفتم. بهار، ش ۲۰. ص ۱۷۸-۱۴۵.
۶. افتخاری، اصغر (۱۳۸۷). «چهره‌های قدرت: گذار از سخت افزار گرایي به نرم افزار گرایي». **در قدرت نرم ابزار موفقیت در سیاست بین‌الملل**. جوزف نای. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع). ص ۲۲-۸.
۷. افتخاری، اصغر (۱۳۸۸). **قدرت نرم حکومت اسلامی: منابع و کاربرد**. در **کتاب کاربرد قدرت نرم**. الکساندر تی. جی لنون، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع). ص ۴۳-۹.
۸. افتخاری، اصغر (۱۳۸۹). «اعتماد ملی و امنیت اجتماعی؛ رویکردی اسلامی». در **فوسایش قدرت نرم، مردم، دولتها و اعتماد**. جوزف نای و دیگران. تهران: انتشارات امام صادق. ج دوم. ص ۴۲-۱۱.
۹. افتخاری، اصغر (۱۳۹۱). «مفهوم و جایگاه جنگ نرم در گفتمان انقلاب اسلامی». **پژوهشنامه انقلاب اسلامی**. س اول. بهار. ش ۲. ص ۲۷-۱.
۱۰. ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمود (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی». **فصلنامه پژوهش**. س سوم. پاییز و زمستان. ش ۲. ص ۴۴-۱۵.
۱۱. آقا مهدوی، اصغر و نادری باب اناری، مهدی (۱۳۹۰). «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکردی قرآنی». **فصلنامه دانش سیاسی**. س هفتم. پاییز و زمستان. ش ۲، ص ۲۰۴-۱۶۷.

۱۲. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. قم: بوستان کتاب.
۱۳. جعفری پناه، مهدی و میراحمدی، منصور (۱۳۹۱). «مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با رویکردی اسلامی». فصلنامه معرفت سیاسی. س چهارم. پاییز و زمستان. ش ۲، ص ۱۰۵-۱۲۲.
۱۴. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۷). «سیاست چیست؟ تبیین دیدگاه امام خمینی^(ره)». فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. س چهارم. پائیز. ش ۱۴. ص ۴۶-۱۱.
۱۵. چگنی زاده، غلامعلی و سیفی، یوسف (۱۳۹۱). «ظرفیت انگاره بین‌المللی در تولید قدرت نرم». فصلنامه روابط خارجی. س چهارم. پاییز. ش ۳. ص ۲۴۲-۲۰۳.
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. به اهتمام امیر سیاهپوش. تهران: انتشارات آفتاب توسعه.
۱۷. خراسانی، رضا (۱۳۸۷). «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تأثیر آن بر روند تحولات جهانی». فصلنامه علوم سیاسی. س یازدهم. بهار. ش ۴۱.
۱۸. خمینی، امام سید روح‌الله (۱۳۷۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۹. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۵). «جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی ایران». فصلنامه حضور، ش ۵۷.
۲۰. رشاد، افسانه (۱۳۹۰). شاخصها و کارکردهای قدرت نرم در فرایند سیاست خارجی و امنیت ملی ج.ا.ایران. نامه دفاع. ویژه‌نامه سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی. تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
۲۱. زرنگ، محمد (۱۳۸۶). سرگذشت قانون اساسی در سه کشور ایران، فرانسه و امریکا. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۲. سبحانی‌فر، محمدجواد و امیرعبداللهیان، مجید (۱۳۹۳). «تأثیر دیپلماسی عمومی ایران در لبنان بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران». دوفصلنامه پاسداری فرهنگی. س چهارم. بهار و تابستان. ش ۹.

۲۳. سجادی‌پور، سیدمحمد کاظم (۱۳۹۱). «اجرای سیاست خارجی، قدرت نرم و ارتباطات»، فصلنامه قدرت نرم، س دوم. پاییز و زمستان. ش ۷. ص ۹۷-۸۱.
۲۴. سیدباقری، سید کاظم (۱۳۹۰). «ماهیت و مولفه‌های قدرت سیاسی از منظر قرآن کریم». فصلنامه کتاب نقد، س سیزدهم. تابستان و پاییز. ش ۵۹-۶۰. ص ۱۱۱-۶۷.
۲۵. سیف، اله مراد (۱۳۹۰). «مفهوم شناسی قدرت نرم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه آفاق امنیت، س چهارم. تابستان. ش ۱۱. ص ۳۸-۵.
۲۶. شعبانی سارویی، رمضان (۱۳۹۲). «قدرت نرم و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات قدرت نرم، س سوم. پاییز و زمستان. ش ۹. ص ۹۸-۷۹.
۲۷. صبور، ضیاءالدین (۱۳۹۰). قدرت نرم آمریکا در حوزه سیاست خارجی و امنیتی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۲۸. طاهایی، جواد (۱۳۸۷). جایگاه قانون اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲۹. عسگری، محمود (۱۳۸۹). «رویکردی انتقادی به نظریه قدرت نرم». راهبرد دفاعی، س هشتم. بهار. ش ۲۸. ص ۸۶-۶۱.
۳۰. عیوضی، محمدرحیم و پارسا، مونا (۱۳۹۲). «الگوی تحلیلی قدرت نرم و سیاست بین‌الملل». دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، س سوم. پاییز و زمستان. ش ۹. ص ۱۱۲-۹۹.
۳۱. فیرحی، داود (۱۳۸۶). قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام. تهران: نشر نی. چ ششم.
۳۲. قدسی، امیر (۱۳۸۹). «جایگاه سرمایه اجتماعی در بازتولید قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه راهبرد دفاعی، س هشتم. پاییز. ش ۳۰. ص ۱۵۶-۱۳۱.
۳۳. گاندی، لیلا (۱۳۸۸). پسااستعمارگرایی. ترجمه مریم عالی زاده و همایون کاکاسلطان. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و دانشگاه امام صادق(ع).
۳۴. گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم: نگاهی به قدرت نرم افزاری جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۳۵. گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۹۱). «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران: مناسب‌ترین راه برای مقابله با آماج جنگ نرم». فصلنامه ره‌نامه سیاستگذاری. س سوم. بهار. ش ۱. ص ۱۵۷-۱۴۱.
۳۶. ماشیکو، الن و میکی، هوری (۱۳۸۹). «پرورش قدرت نرم: تأثیر مبادلات دانشگاهی میان ایالات متحده و ژاپن». در آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم. ترجمه محسن روحانی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۳۷. محقق، محمدجواد (۱۳۸۴). «نظام اقتصادی از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». ماهنامه معرفت. س چهاردهم. اردیبهشت. ش ۲ (پیاپی ۸۹). ص ۱۰۴-۹۰.
۳۸. معینی پور، مسعود (۱۳۸۶). «کارکردها و مبانی نظری قانون اساسی جمهوری اسلامی از دیدگاه امام خمینی(ره) و شهید بهشتی». فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. تابستان و پاییز. ش ۹ و ۱۰. ص ۲۳۴-۲۰۹.
۳۹. مقام معظم رهبری (۱۳۹۰). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران. چهاردهم بهمن ماه.
۴۰. مقام معظم رهبری (۱۳۹۳). بیانات در مشهد مقدس و در بین زائرین حرم امام رضا. اول فروردین ماه.
۴۱. منصور، جهانگیر (۱۳۸۷). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران. نشر دوران. چ پنجاه و نهم.
۴۲. موسوی، سیدصدرالدین و قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۲). «الهام بخشی و قدرت نرم ایران در سند چشم انداز ۱۴۰۴». فصلنامه مطالعات قدرت نرم. س سوم. پاییز و زمستان. ش ۹. ص ۱۳۴-۱۱۳.
۴۳. نای، جوزف (۱۳۸۹). قدرت نرم ابزار موفقیت در سیاست بین‌الملل. ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع). چ سوم.
۴۴. هدایتی شهیدانی، مهدی (۱۳۸۹). «جنگ نرم و رویارویی انقلاب اسلامی با رویکردهای ستیزه جویانه غرب علیه ایران». فصلنامه ۱۵ خرداد. س هفتم. تابستان و پاییز. ش ۲۴ و ۲۵. ص ۱۶۴-۱۴۵.
۴۵. هیوود، اندرو (۱۳۸۹). سیاست. ترجمه عبدالرحمن عالم. تهران: نشر نی.

۴۶. یاسوشی، واتانابه و مک کانل، دیوید (۱۳۸۹). *آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم*. ترجمه محسن روحانی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
47. Foucault, Michel (1979). **Discipline and Punish: The Birth of the Prison**. Translated by Alan Sheridan, London, Allen Lane, Penguin.
48. Nye, Joseph (2004). **Soft Power: The Means To Success in Politics**, New York, Public Affairs.